

ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی ریسک‌مدار

رحیم نوبهار*

یزدان صیقل**

چکیده

در دوران معاصر نوعی تحول گفتمانی در کیفرشناسی، با عنوان کیفرشناسی ریسک‌مدار، رخ داده است. این مقاله ویژگی‌ها و راهبردهای این انگاره از کیفرشناسی را به بحث می‌گذارد. با تصویب قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و متحول شدن کیفرها، این کیفرشناسی به شکلی غیرمستقیم وارد حقوق کیفری ایران نیز شده است. از همین رو شایسته است تا به شکل راهبردی مورد توجه قرار گیرد. کیفرشناسی ریسک‌مدار بر آن است تا با تأکید بر ریسک بزهکاران و نیز از طریق راهبردهای مدیریتی، به دغدغه تأمین امنیت جامعه در مقابل خطر احتمالی بزهکاران بالقوه و نیز احتمال تکرار جرم پاسخ دهد. در حالی که کیفرشناسی سنتی، با تأکید بر جرم ارتكابی و نیز از طریق نگرش‌های بالینی و اصلاح‌مدار نسبت به تعیین پاسخ کیفری اقدام می‌نماید، در کیفرشناسی ریسک‌مدار، به تدریج اصل قطعیت در تعیین جرایم و کیفر آنها، که در کیفرشناسی سنتی بسیار پررنگ بود، کم‌اهمیت می‌گردد. همچنین در این کیفرشناسی، به مدد ابزارهای ارزیابی ریسک، نسبت به مقابله کیفری مبتنی بر طرد، توان‌گیری و به طور کلی کنترل، مدیریت و کاهش ریسک اقدام می‌شود. البته، در این کیفرشناسی، بر عقلانیت در تعیین کیفر، برنامه‌محوری و نیز توجه به اصولی چون اصل احتیاط در جهت مقابله با ریسک نیز تأکید می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کیفرشناسی ریسک‌مدار، راهبردهای هدف‌مدار، راهبردهای

برنامه‌مدار، اصل احتیاط، اصل عدم قطعیت.

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) R-nobahar@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی Yazdan.seyghal@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۲۴

امروزه مقابله با هر آنچه ریسک تلقی شود رواج چشمگیری در کیفرشناسی کشورهای مختلف پیدا کرده است. این نگرش در پرتو جهانی شدن علوم جنایی و نیز دغدغه مشترک نظام‌های عدالت کیفری به تدریج وارد نظام‌های عدالت کیفری کشورهای مختلف از جمله ایران نیز شده است. به تعبیر برخی نویسندگان، از برجسته‌ترین رویکردهای مؤثر در کیفرشناسی در اوایل دهه ۱۹۹۰، پیدایش یک سیاست کیفری مبتنی بر ریسک بود. در سایه این رویکرد، گونه‌ای کیفرشناسی نوین با عنوان کیفرشناسی ریسک‌مدار^۱ شکل می‌گیرد که اساس آن محاسبه تخمینی^۲ است.^۳ پیش از رواج گفتمان کیفرشناسی ریسک‌مدار، در رویکرد مسلط و رایج جرم‌شناسی، هر پرونده به طور جداگانه جایگاه ویژه‌ای داشت. تصمیمات ناظر به تعیین مجازات به طور گسترده‌ای مبتنی بر تشخیص کارشناسان در نهادهای تعیین مجازات و آزادی مشروط بود. مراجع صالح کیفری نیز بر اساس همین اطلاعات اقدام به تعیین مجازات می‌نمودند. مجازات‌ها تا حدی می‌بایست هم با ضرورت اصلاح مجرم و هم شدت جرم ارتكابی تناسب داشته باشند. به تدریج، سیمون و فیلی به الگوی جدید نوظهوری دست یافتند که در آن این اصول نادیده گرفته می‌شود. کیفرشناسی نوین ریسک‌مدار به معنای تغییر تأکید از اصلاح بزهکار به سمت طرد وی و با هدف کاهش جرم به وجود آمد.^۴ با ظهور این کیفرشناسی، در تعیین کیفرها دیگر بزهکار محور اصلی نبود؛ بلکه به جای آن، روز به روز نیازهای امنیتی جامعه و حمایت از آن اهمیت پیدا کرد.^۵ به موجب این رویکرد، مجازات‌ها می‌بایست بر مبنای درجه‌بندی ریسک بزهکار تعیین شود. جزئیات هر پرونده خاص تنها تا جایی اهمیت داشت که بزهکار را به یک طبقه یا درجه از ریسک منتسب نماید تا بتوان کیفر متناسب را برای وی تعیین

۱. ریسک معادل همان واژه انگلیسی Risk است. به کار بردن همین واژه به عنوان برابر نهاد پارسی آن اگرچه مغایر با رویکرد لزوم استفاده از واژه‌های فارسی است، به لحاظ نشان دادن معنا و مفهوم، دقیق‌تر از واژه‌های ترجمه‌شده مانند خطر و ضرر است. در صورت تأکید بر استفاده از واژه فارسی می‌توان وضعیت مخاطره‌آمیز را نزدیک‌تر به صواب دانست. در هر حال ما در این مقاله واژه ریسک را برگزیده‌ایم.

2. Actuarial Justice

3. Feeley, M; Simon, J, "Actuarial Justice: The Emerging New Criminal Law", in: Nelken, D (ed.), *The Future of Criminology*, London, Sage Publications, 1994, p. 449.

4. O'Malley, P, *Crime and Risk*, Impact Criminology Series, London, Sage Publications, 2010, p. 34.

۵. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. حسینی، سید محمد؛ ساعدی، زهرا؛ صادقی، آزاده، «نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۹، پاییز ۱۳۹۱، صص. ۱۷۸-۱۵۶.

نمود. دیگر مدت مجازات با توجه به شدت جرم یا نیازهای اصلاحی مجرم، آن گونه که توسط قضات و کارشناسان ارزیابی شده است، تعیین نمی‌شود؛ بلکه مدت مجازات یا به طور کلی مدیریت، کنترل و نظارت می‌بایست با میزان ریسک و خطرناکی بزهکار تناسب داشته باشد.^۱

همچنین با تغییر در نوع نگرش حاکم به حبس در کیفرشناسی ریسک‌مدار، اصلاح‌مدار بودن رژیم زندان، دیگر هدف اصلی نبود، بلکه تأکید ویژه حبس بر تقلیل ریسک بزهکاران است. این امر به نوبه خود باعث تبدیل زندان به محل نگهداری افراد مطرود شد. دغدغه امنیت جامعه جای اصلاح مجرم را گرفت و نگرش مدیریت‌مدار اهمیت یافت. در راستای همین نگرش و در قرن بیستم، پدیده حبس‌گرایی مضاعف در کشورهایی چون آمریکا رخ داد و جمعیت فراوانی روانه زندان شدند.^۲ از آنجا که بزهکاران ریسک را به وجود می‌آورند و با توجه به این‌که زندان‌ها آنان را طرد می‌کنند، نگهداری آنها در زندان از میزان ریسک احتمالی آنها در جامعه می‌کاهد. نتیجه اینکه رژیم‌های اصلاحی در زندان به تدریج حذف شد^۳ و در قالب کیفرشناسی مبتنی بر ریسک، شیوه‌های نوین طرد بزهکاران با هدف تقلیل میزان ریسک بزهکاران در جامعه ظهور نمود. رویکرد طردمدار و نظارت‌مدار موجود در قوانین سارا^۴ و مگان^۵ - که ناظر به

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸، ص. ۷۲۴.

2. Brown, Michelle, "New Penology", in: Bruinsma, G; Weisburd, D (eds.), Encyclopaedia of Criminology and Criminal Justice, Springer Science Business Media, New York, 2014, p. 3283.

۳. در کنار حبس‌گرایی، کاهش ریسک در جامعه بدون بهره‌مندی از خدمات اصلاحی و تربیتی در زمان حبس به تدریج مدنظر قرار گرفت. قوانین مختلفی از جمله قانون سه‌ضربه (Three strikes) در ایالت کالیفرنیا، آمریکا، با هدف خنثی‌سازی حداکثری ریسک تکرارکنندگان جرم به وجود آمد.

۴. در انگلستان، برنامه‌های اطلاع‌رسانی بزهکار جنسی، این بزهکاران را ملزم نموده تا آدرس خود را در اختیار پلیس گذاشته تا بتوانند تحت نظارت پلیس قرار گیرند. واکنش عمومی به مرگ سارا پاین در تابستان ۲۰۰۰ باعث شکل‌گیری تقاضای «قانون سارا»، شبیه به قانون مگان، شد. به موجب این قانون، نه تنها پلیس و دیگر کنش‌گران ذی‌صلاح، بلکه همچنین والدین، حق اظهارنظر در رابطه با امکان ورود یا عدم ورود بزهکار جنسی به منطقه آنها را خواهند داشت. از اواسط دهه ۱۹۸۰ چنین برنامه‌هایی در چندین منطقه انگلستان وجود داشت؛ اما با قانون بزهکاران جنسی ۱۹۹۷ به صورت ملی اجرایی گردید. این قانون به عنوان یک تکلیف قانونی تلقی می‌شود که به موجب آن نه تنها پلیس باید نسبت به ثبت مشخصات این بزهکاران اقدام کند، بلکه در صورت آزادی نیز باید فعالانه، ریسک احتمالی این بزهکاران جنسی را «مدیریت» نماید. نک:

Kemshall, H; Maguire, M, "Community justice, risk management and Multi-Agency Public Protection Panels", Community Justice, vol. 1, 2002.

۵. قانون مگان از نام دختر بچه هفت ساله‌ای به نام مگان کانکا گرفته شده است. مگان توسط یک بزهکار جنسی مشهور مورد تجاوز قرار گرفت و به قتل رسید. والدین او پس از این حادثه بر این نظر بودند که اگر از وجود یک

مدیریت ریسک بزهکاران جنسی و اطلاع‌رسانی وجود آنان به دیگر افراد جامعه است - نمونه‌ای از مقابله با ریسک است.

در شیوه مجازات‌ها نیز تغییراتی رخ داد، به گونه‌ای که به تدریج، جنبه اصلاحی کیفر کمرنگ شد. در این تغییر عموماً ویژگی نظارت و طرد در کیفر مدنظر قرار گرفت. در همین راستا، در حالی که بسیاری از کیفرشناسان این رژیم طردمدار در قبال ریسک را به عنوان آینده کیفرشناسی می‌دانند،^۱ به اعتقاد برخی مخالفان، این کیفرشناسی هنوز جایگاهی ندارد. در این میان، نویسندگانی از جمله سیمون و فیلی، با طرح این کیفرشناسی بر این نظر هستند که هنوز مقاومت قابل توجهی در برابر این عدالت تخمینی در حقوق کیفری کشورهای چون آمریکا وجود دارد. با این حال نظر به تغییرات فراوان کیفرها و جهت‌دهی‌های حاکم بر اعمال پاسخ‌های کیفری، می‌توان نفوذ رویکرد کیفرشناسی ریسک‌مدار را در نظام‌های عدالت کیفری شاهد بود. حتی به نظر می‌رسد که بتوان تمام پاسخ‌های نظارت‌مدار و طردمدار و نیز تدابیر مدیریت‌مدار کیفری را با این کیفرشناسی توجیه نمود.

از همین رو، مقاله حاضر ویژگی‌ها و راهبردهای این انگاره نوپیدا از کیفرشناسی را به طور نظام‌مند تشریح می‌کند. بخش نخست مقاله به تحلیل ویژگی‌های کیفرشناسی ریسک‌مدار می‌پردازد. بخش دوم به تبیین راهبرد هدف‌مدار و بخش سوم نیز ابعاد راهبرد برنامه‌مدار این کیفرشناسی را واکاوی می‌نماید.

۱. ویژگی‌های کیفرشناسی ریسک‌مدار

طرح نظریه جامعه مخاطره‌آمیز^۲ از سوی اولریش بک^۳ منجر به ظهور کیفرشناسی کیفرشناسی نو، با موضوع کلیدی ریسک، در ربع آخر سده بیستم شد. این کیفرشناسی با سه ویژگی از کیفرشناسی سنتی متمایز است: تغییر در گفتمان؛ تغییر در اهداف و راهبردهای کیفری؛ و تغییر در نحوه تعیین کیفر.^۴ این موارد تمایز را می‌توان به عنوان مبنایی در تبیین ویژگی‌های کیفرشناسی ریسک‌مدار مدنظر قرار داد.

بزهکار جنسی در محله خود باخبر بودند، هرگز به مگان اجازه نمی‌دادند که بدون مراقبت و آزادانه از خانه بیرون برود. موضوع قانون مگان بزهکاران جنسی است، یعنی افرادی که رفتارهای وحشیانه‌ای را علیه کودکان انجام داده یا ... به شکار دیگران در نتیجه بیماری روانی می‌پردازند. منطق این طبقه‌بندی، بر شواهد آماری در رابطه با بازگشت به جرم و نه قضاوت‌های بالینی در رابطه با تمایل فردی آنها مبتنی است. نک:

Simon, J, "Managing the Monstrous: Sex Offenders and the New Penology", *Psychology, Public Policy and Law*, 4(1-2), 1998, p. 9.

۱. البته به نظر می‌رسد که ارزیابی‌های تخمینی ریسک‌مدار، با ارائه معیارهای بصری، هم عینی و هم عادلانه‌تر هستند، زیرا آنها دستخوش غرض‌ورزی‌ها و اعمال سلیقه قضات قرار نمی‌گیرند.

2. Risk society

۳. بک، اولریش، جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۸، ص. ۱۳.

4. Kemshall, H, *Understanding Risk in Criminal Justice*, Open University Press, 2003, p. 65.

۱-۱. هدف‌گذاری امنیت‌مدار

در گفتمان کیفرشناسی ریسک‌مدار، امنیت یک دغدغه جدی است؛ به گونه‌ای که با مقایسه این کیفرشناسی با کیفرشناسی سنتی، تغییر بنیادین گفتمان امنیت‌مدار به جای تأکید اخلاق‌گرا را می‌توان بدیهی یافت؛^۱ راهبردها بر اعضای گروه‌های مشخص و نه بر افراد تمرکز نموده‌اند. روش‌های آماری، جغرافیایی و الکترونیکی (ارزیابی ریسک مبتنی بر آمار، مکان‌یابی جرم^۲ و شناسایی الگوهای جرم و تأکید بر مکان‌های خاص و ناامن، استفاده از دوربین‌های مداربسته و طیف وسیعی از ابزارهای امنیت الکترونیک و ردیابی حرکت افراد از طریق پایگاه‌های داده‌های کامپیوتری شده) جایگزین مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی‌های فردی هریک از بزهکاران گردیده‌اند.^۳

اهمیت یافتن امنیت^۴ در قالب جامعه مخاطره‌آمیز را می‌توان در شکل‌گیری جرم‌شناسی امنیت‌گرا مؤثر دانست. در این رهیافت، سعی می‌شود با استفاده از راهبرد افتراقی منطبق با ریسک بزهکاران، بزهکاران مزمن با سازوکارهای کیفری و افراد خطرناک با سازوکارهای پیشگیری وضعی از جامعه طرد شوند. اما جرم‌شناسی امنیتی،^۵ لزوماً جرم‌شناسی ریسک‌مدار نیست، بلکه بُعد مهمی از آن است.

۱. ریگاکاس، جورج اس، «جامعه خطر و جرم‌شناسی سنجشی: جنبه‌هایی برای یک گفتمان انتقادی»، ترجمه افشین عبداللهی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲.

2. Crime Mapping

3. Ibid, p. 82.

۴. امنیت واژه بسیار پیچیده‌ای است و وجود ابعاد مختلف در آن به ابهام آن دامن زده است (برای مطالعه بیشتر در رابطه با مفهوم و ابعاد مختلف امنیت، رک عالی‌پور، حسن، جرایم ضد امنیت ملی، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹، صص. ۴۵-۱۸). به همین دلیل دخالت امنیت‌گرایی در کیفرشناسی ریسک‌مدار، به معنای دخالت دادن دامنه‌ای گسترده از ابهامات به این کیفرشناسی خواهد بود. در عین حال این هشدار کیفرشناسی ریسک‌مدار قابل توجه است که نباید در قالب امنیت‌گرایی، به سمت سخت‌گیری مضاعف در راهبردهای کلان و نیز کیفرهای برخاسته از این نوع کیفرشناسی حرکت نمود.

۵. مهدوی‌پور، اعظم؛ شهرانی کرانی، نجمه، «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری گیلان، دوره پنجم، شماره ۱، تابستان، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۹.

در واقع، مفهوم جرم‌شناسی امنیتی در برابر جرم‌شناسی هنجارمند قرار می‌گیرد. جرم‌شناسی هنجارمند، یعنی عبور دادن راهکارها و یافته‌های جرم‌شناسی از سنجح حقوق بشر، برای وارد کردن آنها در حقوق کیفری. جرم‌شناسی امنیتی، علم پلیسی یا علم استراتژیک (راهبردی) یا جرم‌شناسی خطر، ریسک یا به عبارتی «جرم‌شناسی قانون و نظم»، یک گروه از مجرمان یا جرایم را، به این اعتبار که دشمن جامعه و خطرناک می‌داند، برجسته و مشمول مقررات کیفری و رویکرد خاصی در جرم‌شناسی می‌کند. به نظر می‌رسد که تقابل دو جرم‌شناسی هنجارمند و امنیتی، به نوعی حکایت از تقابل بین دو حق یعنی حق فرد و جامعه بر امنیت در مقابل مجرمان و حق فرد بر داشتن تأمین در مقابل عوامل و نهادهای پلیسی-قضایی دارد (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱، ص. ۲۲).

توضیح آنکه در هر دو بُعد از این دو، هدف‌گذاری امنیت بسیار مهم است. ولی در رویکرد ریسک‌مدار یکی تأکید بر ریسک بزهکار و دیگری سنجش آن است که محور تدابیر کیفرشناختی است،^۱ اما در جرم‌شناسی امنیت‌مدار میزان خطرناکی رفتار بزهکار آن هم با توجه به نوع جرم و نوع شخصیت مجرمانه بزهکار و بدون توجه به سنجش ریسک ملاک است.

در راستای اهمیت امنیت‌گرایی در کیفرشناسی ریسک‌مدار، توازن سنتی ریسک که ناظر به حمایت از بزهکار در مقابل تحمیل مجازات نامتناسب بود، به سمت حمایت از بزه‌دیدگان در مقابل بزهکاران واقعی و حتی بزهکاران بالقوه تغییر یافت.^۲ پس امنیت‌گرایی کیفرشناسی ریسک‌مدار خود به گونه‌ای از ریسک دامن می‌زند و آن ریسک تحمل کیفر نامناسب است؛ خواه شخص، جرم را مرتکب شده باشد یا صرفاً احتمال بزهکار شدن او وجود داشته باشد. بنابراین کفه ترازوی عدالت در این نوع کیفرشناسی به نفع بزه‌دیدگان سنگینی خواهد نمود.

همچنین در پرتو ایجاد این فضا، حاکمیت یافتن گفتمان دشمن‌انگاری متهمان و مجرمان آثار فراوانی بر سیاست کیفری کشورهای مختلف دارد. به گونه‌ای که در این رویکرد، بسیاری از مقررات حقوق کیفری با تأثیرپذیری از اندیشه‌های جرم‌شناسی‌های نوین، مبتنی بر حاکمیت امنیت شد.^۳

۱-۲. عدم قطعیت در قانون‌گذاری کیفری

قطعیت قانونی به معنای این است که شهروندان بدانند چه نوع رفتاری دقیقاً جرم است و ارتکاب آن، سبب تعقیب کیفری خواهد شد.^۴ در جامعه مخاطره‌آمیز، چنانچه قانون‌گذار بخواهد مقوله ریسک را در راستای تأمین امنیت و بهبود رفاه شهروندان مدنظر قرار دهد، با مسائل پیچیده بسیاری در تعیین پاسخ‌های کیفری روبرو خواهد بود. در واقع از یک سو تمایل به نگارش موسع و مبهم قانون وجود دارد که به نوبه خود

۱. کیفرشناسی نو، ویژگی‌های مهم کنترل جرم مدرنیته متأخر را مشخص تر می‌سازد، اما لزوماً معیاری برای پیش‌بینی دقیق ریسک ارائه نمی‌کند. همچنین روش برخاسته از رویکرد جامعه‌شناختی جامعه مخاطره‌آمیز و رویکرد کیفرشناسی نو می‌تواند متضمن غلبه ارزیابی ریسک در عدالت کیفری و اقدامات مربوط به اجتناب از ریسک در زندگی فردی و دسته‌جمعی روزمره انسان‌ها باشد، اما نمی‌تواند به گونه‌ای شفاف تغییری که از عدالت به سوی انتقام و از فرآیند دادرسی به کنترل جرم غیررسمی رخ داده است را تبیین نماید.

2. Walker, N, *Dangerous People*, London, Blackstone Press, 1996, p. 36.

۳. آقابابایی، حسین، امنیت، «آزادی شخصی و مدیریت خطر جرایم امنیتی»، ضمیمه فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، یادنامه شادروان دکتر رضا نوریها، شماره ۵۶، ۱۳۹۰، ص. ۷۳.

۴. بکاربا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ هشتم، نشر میزان، ۱۳۹۵، صص. ۴۵-۲۳.

امکان تفسیر آزادانه و شمول حداکثری وضعیت‌های ریسک‌مدار را فراهم می‌سازد؛ امری که با اصل حداقلی بودن حقوق جزا مغایر است.^۱ از سوی دیگر، عدم گستردگی متون قانونی احتمال عدم شمول وضعیت‌های ریسک‌زا و فرار عاملان آنها از شمول پاسخ کیفری را فراهم می‌سازد. بنابراین هیچ گونه قطعیتی پیرامون بهترین شیوه به‌کارگیری راهبردهای مداخله کیفری وجود ندارد، زیرا رفتارهای انسان به گونه‌ای است که این کیفرشناسی را با افراد محاسبه‌گر و نیز بزهکاران اتفاقی روبرو خواهد ساخت. نتیجه عدم قطعیت، قوت گرفتن محافظه‌کاری در غالب تصمیم‌گیری‌هاست، تا از طریق آن نه تنها یک سیاست‌گذاری جنایی کارآمد رقم زده شود، بلکه عملکرد کنش‌گران اجرایی و قضایی در مقابله با ریسک نیز توانمند ظاهر شود.^۲

۱-۳. اهتمام به مقوله ارزیابی

در کیفرشناسی ریسک‌مدار، سیاست‌گذار جنایی و یا کنش‌گران اجرایی - قضایی در مقام پیش‌بینی و یا اعمال نهادهای حقوق کیفری مانند تعلیق مجازات و آزادی مشروط از ابزارهای ارزیابی ریسک استفاده می‌نمایند؛ چندان که ارزیابی بنیاد این تصمیمات است. در این کیفرشناسی، «حقیقت» عبارت است از یک ارزیابی بر مبنای تشخیص درست عوامل ریسک. اینکه لزوماً یک فرد موضوع ارزیابی واقعاً مرتکب تکرار جرم خواهد شد یا نه، اهمیتی ندارد. اگر افراد عوامل ریسک را دارا باشند، ریسک مورد نظر به صورتی صحیح شناسایی می‌شود و دیگر نیازی به تأیید دیگران نیست. در پی این ارزیابی، تنها چیزی که اهمیت دارد این است که ریسک در پرتو عوامل ریسک شناسایی شود. بزهکاران نیز باید آن دسته از فعالیت‌هایی که متخصصان مسئول در راستای سیاست پیشگیرانه تعیین کرده‌اند^۳ را انجام دهند.^۴ توضیح آنکه کیفرهای مورد

۱. غلامی، حسین، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، پژوهش حقوق کیفری، فصلنامه دانشگاه علامه طباطبایی، سال اول، شماره ۲، زمستان، ۱۳۹۱، صص. ۴۶-۴۳.

2. O'Malley, P, Risk, Uncertainty and Government, London, The Glass House Press, 2004, p. 67.

3. Ashworth, Andrew; Zedner, Lucia, Preventive Justice, Oxford University press, 2014, p. 4.

4. Castel, R, "From Dangerousness to Risk", in: Burchell, G; Gordon, C; Miller, P (eds), The Foucault Effect: Studies in Governmentality, Hemel Hempstead, Harvester Wheatsheaf, 1991, p. 285.

حامیان این ابزارهای جدید ریسک می‌کوشند تا بر مشکلات مدل‌های آماری اولیه در رابطه با مثبت‌های اشتباه و استفاده از مشخصات جمعیتی برای ایجاد پیش‌بینی در رابطه با افراد غلبه کنند. این روش‌ها تا حوزه‌های که هنوز هم در برگیرنده عواملی همانند اشتغال، استفاده از مواد مخدر، سطوح آموزشی و ثبت‌های جنایی اعضای خانواده بوده، به نحوی به استفاده از ارزیابی‌های آماری ادامه داده است که گویی اینها ارزیابی‌های بالینی

نظر در این کیفرشناسی، با توسل به ابزارهای ارزیابی متعدد و با رویکرد کلی پیشگیرانه بر شخص اعمال می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان برخی از دستورات حین قرار نظارت قضایی و دستورهای ضمن تعلیق تعقیب و ضمن تعویق صدور حکم را در راستای کیفرشناسی ریسک‌مدار توجیه نمود. برای نمونه به موجب ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، از جمله دستورات حین نظارت قضایی، ممنوعیت از حمل سلاح دارای مجوز، منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری، منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی است. این دستورها به علت وجود ارتباط با جرمی که رخ داده است، با هدف کاهش تکرار جرم نسبت به متهم اعمال می‌گردند، اما اعمال این ممنوعیت‌ها آن هم بدون توسل به ابزارهای ارزیابی بلاوجه خواهد بود.

همچنین نهادهایی مانند آزادی مشروط، آزادی پیش از موعد، حبس در زندان‌های باز یا بسته و حبس ابد همگی ابزارهایی برای مقابله با ریسک هستند که خود بر اساس ابزارهای سنجش ریسک نسبت به بزهکاران واقعی تعیین و اعمال می‌شوند. این ارزیابی ریسک برای بزهکاران واقعی عموماً بر یک مبنای فردی، توسط مدیران زندان، هیئت تصمیم‌گیری درباره عفو و آزادی مشروط در حوزه‌های قضایی دیگر صورت می‌گیرد. راهکارهای اخیر قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری به سوی ارزیابی‌های ریسک برای متخلفان واقعی نشانه رفته است. این موضوع را جاناتان سیمون در رابطه با قانون‌گذاری ناظر به رفتارهای خشونت‌آمیز و تخلفات جنسی در دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده آمریکا مطرح کرده است. جلوه‌های این رویکرد را می‌توان در قوانینی از جمله قانون متجاوزان خشونت‌آمیز جنسی کانزاس، قانون مِگان و قانون ناظر به تخلفات جنسی نیوجرسی در سال ۱۹۹۴ مشاهده کرد.^۱

در حقوق ایران، اهمیت ارزیابی ریسک همچنین در مرحله اجرای احکام و عملکرد شورای طبقه‌بندی زندانیان در نهادهایی مانند آزادی مشروط، عفو، اعطای مرخصی^۲ به زندانیان دارای جایگاه است و می‌تواند به نظام‌مندتر شدن رویه شورای طبقه‌بندی کمک شایانی نماید. به عنوان مثال ورود ابزار ارزیابی به عملکرد شورای طبقه‌بندی بر اساس ماده ۸ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ بسیار راهگشا خواهد بود. زیرا به موجب این ماده «کلیه محکومان

← می‌باشند. این به معنای آن است که از توصیف‌های ویژگی‌های جمعیتی متخلفان برای پیش‌بینی احتمال تخلف دوباره متخلفان فردی استفاده می‌شود.

1. O'Malley, P, Crime and Risk, Op. cit, p. 53.

۲. شرایط اعطای مرخصی به زندانیان که در ماده ۲۱۴ آمده است را می‌توان نوعی توجه به ارزیابی ریسک تفسیر و تعبیر نمود. این دیدگاه به ویژه با نظر به امتیازبندی ۲۹گانه مقرر در این ماده تأیید می‌شود.

با توجه به نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی، حسب مورد در زندان‌های بسته یا مراکز حرفه آموزش و اشتغال نگهداری می‌شوند، مگر آنکه مقام قضایی صادرکننده حکم در رای صادره محل خاصی را برای نگهداری محکوم تعیین نموده باشد».

توجه به ارزیابی‌های آماری تا اندازه‌ای است که در حقوق کیفری انگلستان به هر بزهکار باید یک نمره کامپیوتری داده شود. این نمره با ارائه سوابق قضایی محکوم نشان می‌دهد که این بزهکار چقدر برای مردم جامعه خطرناک است^۱ و میزان احتمال تکرار جرم از سوی وی چه میزان است. در این سیستم، نمره یک بزهکار بر مبنای عواملی مانند بیکاری، سواد، شرایط خانوادگی، سبک زندگی، تاریخ زندگی، روابط اجتماعی و پیش‌زمینه آموزشی، تعیین می‌شود. بر این اساس، راهبردهای جدید مربوط به ارزیابی ریسک لزوماً مبتنی بر سنجش‌های بالینی نیستند؛ بلکه برآوردهایی آماری هستند که با بررسی ویژگی‌های بزهکار تعیین می‌کنند که آیا احتمال تکرار جرم در آن شخص وجود دارد یا خیر. در این ارزیابی معیارهای مرتبط با ریسک می‌تواند شخصی و اجتماعی باشد و از مؤلفه‌های متعددی چون نوع جرم ارتكابی نشأت بگیرد.^۲

۴-۱. تأکید بر رویکرد سخت‌گیرانه

با تضعیف نظری عدم اصلاح بزهکاران دارای ریسک، کیفرشناسی ریسک‌مدار، نقشی محوری اما متفاوت در سیاست جنایی معاصر ایفا می‌کند. گارلند مشخصه این کیفرشناسی را «حاکمیت سزاگرایی» یا به تعبیر دقیق‌تر سخت‌گیرانه شدن می‌داند. این رویکرد نسبت به برخی مجرمان خاص مانند بزهکاران خشن و بزهکاران جنسی اعمال می‌گردد، در حالی که به اعتقاد برخی میزان بازپروری این افراد در مقایسه با دیگر بزهکاران خُرد بیشتر و میزان تکرار جرم از سوی آنان بسیار کمتر است. به هر حال، دیدگاه سزاگرایی بر تدابیر مقابله با ریسک مبتنی است و می‌توان آن را ناشی از اهمیت دادن و تأکید بر رویکرد منفی اشتباه و مثبت اشتباه دانست. منفی اشتباه^۳ یعنی شخصی با اینکه پیش‌بینی‌ها حاکی از عدم تکرار جرم توسط وی است، مرتکب تکرار جرم شود. مثبت اشتباه^۴ یعنی پیش‌بینی‌ها حاکی از احتمال تکرار جرم است، ولی تکرار واقع نشود. بنابراین، اتخاذ تدابیر مبتنی بر ریسک در قالب دوگانه بودن قابل

۱. رضوانی، سودابه، مفهوم خطرناکی در علوم جنایی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۶، صص. ۱۸۴-۱۸۱.

2. O'Malley, P, Crime and Risk, Op. cit, p. 54.

3. Incorrect negative

4. Incorrect positive

شناسایی است و نتیجه آن سرکوب ریسک است. در حالی که بزه‌دیدگان بالقوه در پی حمایت در برابر منفی‌های اشتباه هستند، بزهکاران بالقوه موضوع پاسخ‌های برخاسته از یک مثبت اشتباه قرار می‌گیرند.^۱

عامل دیگری که به بیان گارلند در سزاگرایی مبتنی بر ریسک مؤثر است، عوام‌گرایی کیفری است. مقابله با مجرمان جنسی عرصه‌ای است که در آن می‌توان همزیستی کیفرشناسی نوین مبتنی بر ریسک و رویکرد سزادهی عوام‌گرا را به سادگی تشخیص داد. در راهبردهای انطباقی امنیت جامعه از یک‌سو و در کیفردهی سزادهنده از سوی دیگر، راهبردهای حاکمیتی و به شدت سیاسی‌کاری شده به شکلی عوام‌گرا ظاهر می‌شود. در کنار عوام‌گرایی از نظر گارلند نهادینه‌سازی «هوشیاری جمعی از جرم» یا آنچه که وی «مجموعه جرم مدرنیته متأخر» می‌نامد،^۲ به رویکرد سزاگرایی جمعی و مردمی نیز منتهی می‌شود. هوشیاری مدام از احتمال جرم و تصور مدام بزه‌دیدگی و ضرورت دائمی مراقبت از خود در برابر ریسک جرم، شهروندانی را به وجود می‌آورد که نه تنها از لحاظ الگویی با واقعیت روزمره ریسک‌های جرم منطبق می‌باشند، بلکه نسبت به نیازهای مجرمان نیز بی‌تفاوت هستند. حس همدردی و دلسوزی جای خود را به محکومیت و سرزنش می‌دهد و به دنبال آن اجتماعی شدن و بازگشت به جامعه امری غیرواقعی و به لحاظ اخلاقی نامطلوب تصور می‌شود.^۳ در مواجهه با هزینه‌های اقتصادی و عاطفی، ترس و خشم، تمایزات میان جرم خفیف و جرم خشن کمرنگ می‌شود و تمامی جرایم، غیرقابل تحمل تلقی می‌گردند. این گرایش گسترده به کنترل جرم در قالب ریسک را می‌توان به عنوان واکنشی گسترده به پدیده تکثرگرایی و گوناگونی در جامعه مدرن شناخت.^۴

۲. راهبرد هدف‌مدار در کیفرشناسی ریسک‌مدار

راهبرد از نظر اصطلاحی به معنای رهنمودهای مؤثر در زمینه تصمیم‌گیری و عملکرد بلندمدت یک نهاد است. بدین‌سان راهبرد عبارت است از برنامه‌ای جامع و

۱. برای مطالعه بیشتر درباره مبنای آموزش اخلاقی در مجازات و نیز توجیه مجازات، ر.ک. گارلند، دیوید، مجازات و جامعه مدرن، ترجمه نبی‌الله غلامی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۵، صص. ۶۳ و ۲۴۵.

2. Garland, D, *The Culture of Crime Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*, Oxford, Oxford University Press. 2001, p. 89.

3. Garland, D, "The Culture of High Crime Societies", *British Journal of Criminology*, vol. 40, 2000, p. 368.

4. Rose, N, "Government and Control", *British Journal of Criminology*, vol. 40, 2000, p. 67.

همه‌جانبه که چگونگی دستیابی یک سازمان و نهاد مانند نظام عدالت کیفری به هدف‌ها و مأموریت‌های خاص خود در آینده را روشن می‌سازد. مطالعات راهبردی امروزه در علوم مختلف از جمله عدالت کیفری وارد شده است. مطالعات راهبردی در حوزه حقوق و عدالت کیفری در زمینه مدیریت راهبردی قرار می‌گیرد. مدیریت راهبردی کیفری شامل آن دسته از تدبیرها و اقدام‌هایی هست که از طریق شناسایی وضعیت موجود و ترسیم چشم‌اندازهای مطلوب به دنبال تدوین برنامه راهبردی، اجرای دقیق آن و نظارت و سنجش عملکرد می‌باشد.^۱ به دنبال مشکلات موجود در نظام عدالت کیفری، تفکر راهبردی مورد توجه قرار گرفته است و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی در کشورهای مختلف با این تفکر در پی جبران ناکارآمدی موجود در نظام کیفری خود برآمده‌اند.

بنابراین، همان‌گونه که بیان شد عنوان کلی کیفرشناسی نوین نمی‌تواند گویای لزوم تمایز میان کارکردهای محاسبه ریسک از راهبردهای کنترل ریسک باشد. این در حالی است که این دو مقوله در عمل و آن‌گونه که غالب سیاست‌گذاران جنایی و نیز مردم مفهوم‌سازی کرده‌اند به شکل تنگاتنگی همراه یکدیگرند، اما باید در نظر داشت که اینها مقوله‌هایی کاملاً متمایزند. بر همین اساس، اولاً در مقابله با ریسک تنها هدف مورد نظر، کنترل ریسک نیست؛ بلکه اهداف دیگری نیز وجود دارد. ثانیاً سنجش ریسک که دارای دو جنبه عام و خاص است بایستی در عمل و به منظور تحقق اهداف مختلف مقابله با ریسک مورد توجه قرار گیرد. مقابله با ریسک یک هدف بنیادین و ادامه‌دار عدالت کیفری است. تمام رویکردهای جرم‌انگاری و کیفرگذاری به منظور کاهش احتمال وقوع جرم و کاهش ریسک جرم مورد حمایت قرار گرفته‌اند. عدالت کیفری در رابطه با مقابله با ریسک، تزلزل‌ها و سوءفهم‌های فراوانی را شاهد بوده است. بر همین اساس، برای شناخت راهبردهای مقابله با ریسک در کیفرشناسی ریسک‌مدار، بایستی در نظر داشت که اگرچه اصطلاح کنترل ریسک بسیار متداول و مورد استفاده است، کنترل‌گرایی تنها یکی از راهبردها و به تعبیر دیگر اهدافی است که در این کیفرشناسی اهمیت دارد. به همین منظور محاسبه ریسک در این کیفرشناسی با سه هدف راهبردی صورت می‌گیرد: کنترل ریسک، مدیریت ریسک و کاهش ریسک. اینکه در هر نظام عدالت کیفری کدام رویکرد اتخاذ می‌شود و کدام راهبرد مدنظر است به نوع نظام و تلاش آن نظام در جهت مقابله با ریسک بستگی دارد.

۲-۱. کنترل ریسک

این راهبرد تلاش می‌کند تا با اعمال کنترل‌های بیرونی بر ریسک، از عدم وقوع دوباره یک جرم جدید اطمینان پیدا شود. این شیوه‌ها توسط رابطه میان یک عامل

۱. رضوانی، حمیدرضا، برنامه‌ریزی استراتژیک راهبردی، چاپ اول، مؤسسه کتاب مهریان، ۱۳۸۹، ص. ۵۴

بیرونی و هدف کنترل تعریف می‌شوند، که با استفاده از شیوه‌های جنایی در تلاش است تا انتخاب‌های بعدی را حذف کند. شیوه‌های کنترل جرم، هدف ناتوان‌سازی دارند که نوعاً به دو شکل می‌باشند: محدود نمودن جابجایی از قبیل حبس یا نظارت الکترونیکی و سازوکارهای مبتنی بر مواد روان‌گردان از قبیل داروهای کنترل رفتار. چون این شیوه‌های راهبرد کنترل ریسک، متضمن محدودیت‌های اجباری و تحمیلی بر انتخاب‌های مجرمان است، طرح چالش‌های اخلاقی - نظری و محدودیت‌های عملی فراوان را از لحاظ ابزار کنترل در پی دارند. به منظور پیاده‌سازی راهبردهای کنترل جرم باید بر وضعیت‌های ریسک در زندگی بزهکار تسلط داشت، به گونه‌ای که با شناخت آنها، پاسخی را تعیین نمود که بزهکار توان ارتکاب جرم را پیدا نکند.

بنابراین هدف اصلی کنترل ریسک، محدودسازی، مهار و کاهش احتمال وقوع ریسک است نه ایجاد تغییر؛ زیرا از منظر این هدف، جرایم غالباً افعال مثبت نادرستی هستند که به دلیل عدم وجود کنترل لازم بر آنها ارتکاب یافته‌اند. این راهبرد در پی اعمال کنترل‌هایی بر عامل ریسک به منظور پیشگیری از تکرار جرم است.^۱ بنابراین، به دلیل تأکید این رویکرد بر محدودسازی بزهکار به جای اصلاح وی، در ایالات متحده آمریکا، حتی وجود شواهدی هرچند اندک از ریسک، واکنش شدیدی را در پی خواهد داشت. در این راستا می‌توان به قانون «سه ضربه»^۲ که در کالیفرنیا و دیگر ایالت‌ها اجرا می‌شود، اشاره نمود. به موجب این قانون، احکامی با حداکثر حبس ابد در پی محکومیت سوم صادر می‌شود. بدین معنی که هرگونه احتمالی از رفتار مجرمانه در مرتبه چهارم به حبس ابد، بدون هرگونه احتمال برخورداری از عفو، منتهی می‌گردد.^۳ در حقوق کیفری ایران هم قوانین سه‌ضربه به شکلی مشابه، در جرایم مستوجب حد و نیز جرایم مقرر در اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و روانگردان ۱۳۸۹ وجود دارد. به موجب ماده ۱۳۶ ق.م.ا، ارتکاب جرم حدی برای بار چهارم موجب مجازات اعدام می‌شود.^۴ در رابطه با جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان نیز

1. Clear, T; Cadora, E, "Risk and Correctional Practice", in: Stenson, K; Sullivan, R (eds.), Crime, Risk and Justice, Cullompton, Willan Publishing, 2001, p. 57.

2. Three strikes sentencing law

این قانون ابتدا در سال ۱۹۹۴ در ایالت کالیفرنیا به تصویب رسید. به موجب آن حداقل مجازات در مرتبه سوم ۲۵ سال حبس و حداکثر آن تا حبس ابد است. برابر آخرین اصلاحیه این قانون در سال ۲۰۱۲ نوع جرم ارتكابی برای اعمال مجازات شدید سوم، بایستی یا شدید توصیف شود، یا یک رفتار خشونت‌آمیز باشد.

3. Ibid, p. 58.

در انگلستان و ولز همانند ایالات متحده، قوانین ناظر به بزهکاران جنسی و کمپین‌های مردمی و همچنین قانون اختلال شخصیتی جدی، نشان‌دهنده عدم مدارا در رابطه با ریسک می‌باشد. به موجب این قانون، وجود اختلال شخصیتی جدی و اتصاف به «درمان‌ناپذیری» می‌تواند باعث حبس برای تمام عمر حتی بدون ارتکاب یک جرم گردد.

۴. هر چند گاه درباره این که دلایل فقهی استواری بر این مطلب گواهی دهند، تردید و تشکیک‌های جدی هم مطرح شده است: نوبهار، رحیم، «بازخوانی مستندات فقهی حکم اعدام برای تکرار جرایم حدی»، پژوهش‌های حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲، ص. ۹.

قانون‌گذار گاه بار سوم (مانند بند ۴ ماده ۵) و گاه بار چهارم را مشمول مجازات اعدام دانسته است.

در حقوق ایران توجه به حالت خطرناک در طرد بزهکار و یا محدودسازی و کنترل وی خود دارای نمونه‌هایی است. در ماده ۱۵۰ ق.م.ا جنون شخص و حالت خطرناک باعث سلب آزادی وی می‌گردد. به تعبیری، این سلب آزادی پیشگیری‌محور است و در مقام تأمین امنیت جامعه^۱ همچنين گاه می‌توان رویکرد کنترل ریسک را با تدابیر اصلاح‌مدار مقارن دید. به عنوان مثال در مجازات نفی بلد شخص محارب، به موجب ماده ۲۸۴ ق.م.ا، تبعید تا زمانی ادامه می‌یابد که وی از جرم خود توبه نماید. بنابراین طرد در کنار تأکید بر اصلاح، نوعی رویکرد دوگانه برای مجازات مرتکب است. همچنین در جرم محاربه، اختیار تعیین مجازات به قاضی موکول شده است. بر همین اساس شدت مجازات را شدت جرم ارتكابی محارب تعیین می‌نماید. در جرم سرقت مستوجب حد نیز تبصره ۲ ماده ۲۷۸ حبس ابد را با تدابیر اصلاح‌مدار همراه نموده است و چنانچه شخص توبه نماید می‌توان او را عفو یا مجازات او را تبدیل نمود.

به طور کلی در حال حاضر راهبرد غالب حقوق کیفری ایران راهبرد طرد، خنثی‌سازی و نظارت شدید است که در قالب کنترل ریسک قرار می‌گیرد؛ اما لزوماً با همین عنوان از این رویکرد و راهبرد یاد نمی‌شود. جلوه‌های این گونه طرد و خنثی‌سازی را می‌توان در جنبه امنیتی دادن به جرایم^۲ اعمال مجازات‌های شدید از جمله اعدام - در اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان - و نیز حکومت نگرش دشمن‌مداری^۳ در مقابله با بسیاری از بزهکاران از جمله بزهکاران مواد مخدر مشاهده نمود.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ رضوانی، سودابه، «سلب آزادی پیشگیری‌محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره چهارم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۴، صص. ۱۸-۱۳.
۲. منظور از امنیتی شدن در اینجا مطلق آن است و به طور کلی در معنای غیرقابل بخشش بودن جرایم است که گاه در جرایم حدی برجسته‌تر است. به عنوان مثال در ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان چنین به رفتار مجرمانه شخص وجه حدی بخشیده شده است: «مجازات‌های مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می‌باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود.»

۳. عموماً در حقوق کیفری ایران سیاست‌های مبتنی بر طرد و توان‌گیری و خنثی‌سازی بزهکاران از منظر نگرش دشمن‌مداری توجیه می‌گردد و به همین دلیل پاسخ‌های بسیار شدیدی را به دنبال خواهد داشت. این در حالی است که حقوق کیفری دشمنان از اساس تحقیرآمیز نیست، بلکه با اشاره به آرامش مختل‌شده در صدد است تا با رفتارهای قاعده‌مند و نه نسنجیده و هیجان‌زده عهده‌دار پاسخ صحیح گردد که هدف از آن پاسخ، زدودن خطر است. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. یاکوبس، گونتر، «حقوق کیفری دشمنان و حقوق کیفری شهروندان».

این راهبرد نیز در عمل با چالش‌هایی روبه‌رو است. در عمل اگرچه کنترل ریسک به مخاطبان نگران ریسک امید می‌دهد، اما بررسی‌ها حاکی از آن است که راهبرد کنترل ریسک همیشه از وعده‌ای که می‌دهد، یعنی رفع نگرانی مردم از ریسک، عقب‌تر است.^۱ افزون بر این، این پیش‌گویی و پیش‌بینی مبالغه‌آمیز به پیامدهای نادرست متعدد و نیز صرف هزینه‌های مالی هنگفتی در جهت کنترل افراطی در سیاست معاصر خواهد انجامید. همچنین عدم به‌کارگیری ابزارهای سنجشی و نیز بهره‌گیری از متخصصان ارزیابی ریسک باعث می‌شود که کیفر تعیین‌شده برای هر بزهکار با سنجش‌های بالینی مختلفی همراه باشد. این امر علاوه بر نقض شدید حقوق افراد می‌تواند عدم انسجام در مقام اجرا و ظهور و رویه قضایی را متشتت در پی داشته باشد.

۲-۲. مدیریت ریسک

مدیریت ریسک با به‌کارگیری فن‌های مدیریتی در پاسخ به ریسک و وضعیت‌های پرمخاطره، الگوی جدیدی در تدابیر و اقدامات مربوط به مجازات‌های کیفری ایجاد می‌کند.^{۲،۳} هدف در اینجا از میان بردن ریسک نیست، بلکه هدف، مدیریت آن از طریق شیوه‌های مدیریتی و تضمین اختصاص هر بزهکار به برنامه متناسب است. بزهکاران با ریسک بالاتر، تحت نظارت شدیدتر یا بازداشت قرار می‌گیرند، مجرمان با ریسک پایین‌تر با محدودیت‌های نظارتی کمتری روبرو می‌شوند. بنابراین تشکیل جوامع نظارتی نوعی ریشه در مقابله با ریسک از منظر مدیریت ریسک است؛^۴ هر چند که نظارت مورد تأکید دیگر راهبردها نیز بوده است. زیرا نه در مقام طرد و خنثی‌سازی موردنظر در کنترل ریسک می‌باشد و نه لزوماً در صدد اصلاح بزهکار در قالب کاهش ریسک. رویکردهای مدیریت ریسک، برخلاف کنترل ریسک، اجتناب‌ناپذیر بودن بزهکاری را به رسمیت می‌شناسد و تلاش می‌کند تا این نقض هنجارها را در قالب مقبول‌تری جهت داده و از میزان بزهکاری بکاهد.

← ترجمه محمد صدر توحیدخانه، در: مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۸، صص. ۴۹۷-۴۹۸.

1. Kemshall, H, Understanding Risk in Criminal Justice, Op. cit., p. 38.
2. دنی، دیوید، ریسک و جامعه، ترجمه صالح کاشانی محمدی، چاپ اول، نشر پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۰.
3. Stenson, Kevin, "The New Politics of Crime Control", In: Stenson, Kevin; Sullivan, Robert (eds), Crime, Risk and Justice, Willan publication, 2001, p. 17.
4. توسلی، غلامعباس؛ و داهیر، ابوعلی، «مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره‌آمیز: تأملی جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری جوامع مخاطره‌آمیز نظارتی در عصر حاضر»، جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴، زمستان، ۱۳۸۸، ص. ۴۵.

بنابراین در رویکرد کیفرشناسی نو، از سازوکارهای جرم‌شناسی مانند علت‌شناسی، تشکیل پرونده شخصیت و توجه به حالت خطرناک و نهادهای حقوق کیفری برای مدیریت ریسک تکرار جرم گروه‌های مجرم خطرناک یا ریسک ارتکاب جرم گروه‌های بالقوه خطرناک مانند بیکاران، معتادان، بزهکاران، سابقه‌داران، مجردها، مردان، نوجوانان و جوانان، بی‌سوادان و بیگانه‌گان استفاده می‌شود. هدف نیز کاهش نرخ بزهکاری، حذف بنیادی آن و نیز عقب راندن حجمه بزهکاری از طریق مدیریت کیفری و مدیریت غیرکیفری و یا جرم‌شناختی ریسک جرم می‌باشد.^۱ به عنوان مثال یکی از گروه‌های پُرخطر در جامعه، معتادان هستند که مقنن در تبصره ۲ ماده ۱۶ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان ۱۳۸۹^۲ با زایل نمودن عنوان مجرمانه و پیش‌بینی تعلیق تعقیب و درمان آنان، در جهت مدیریت ریسک این افراد خطرناک حرکت نموده است.

در ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نوعی مدیریت‌مداری ریسک وجود دارد: «در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود: الف- ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری ...»^۳ توسل به نظارت تأمینی^۴ مقرر در ماده ۴۸ مکرر الحاقی ۱۳۸۷ به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز با توجه به تأکید بر نظارت بر مجرمین سابقه‌دار نوعی مدیریت ریسک تلقی می‌شود. این

۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵، ص. ۴۴.

۲. به موجب این تبصره «مقام قضایی می‌تواند برای یک بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی موضوع ماده (۱۵) این قانون، نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش ماه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی نماید. مراکز مذکور موظفند ماهیانه گزارش روند درمان معتاد را به مقام قضایی یا نماینده وی ارائه نمایند. در صورت تأیید درمان و ترک اعتیاد با صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادستان، پرونده بایگانی و در غیر این صورت طبق مفاد این ماده اقدام می‌شود. تمدید مهلت موضوع این تبصره با درخواست مراکز ذی‌ربط برای یک دوره سه‌ماهه دیگر بلامانع است.»

۳. همچنین می‌توان به ماده ۷۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز اشاره نمود که خود نوعی تلاش برای مدیریت محکومان به جرایم مرتبط با قاچاق کالا و ارز تلقی می‌شود. به موجب این ماده «به منظور ثبت و دسترسی سریع به سوابق محکومان و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط، پایگاه اطلاعات محکومان قاچاق کالا و ارز در مرکز فن‌آوری و اطلاعات قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. تمامی واحدهای اجرای احکام مکلفند به محض دریافت رأی قطعی محکومیت‌های راجع به قاچاق کالا و ارز، مشخصات فردی محکومان را در این پایگاه ثبت نمایند. مبادله اطلاعات بین سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضاییه باید به نحوی باشد که امکان تعامل داده‌ها و استفاده کاربران طرفین وجود داشته باشد.» آیین‌نامه این ماده در اردیبهشت ۱۳۹۴ به تصویب رسیده است.

۴. قاضی‌زاده، حسین، بررسی حقوقی جرم‌شناختی نظارت تأمینی در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۹، ص. ۵۱.

ماده در حال حاضر نسخ شده و به موجب ق.م.ا. ۱۳۹۲، نظارت بر بزهکاران سابقه‌دار به همان شکل مقرر در مجازات‌های تبعی قابل اعمال است. به موجب این مجازات، مدت محرومیت از حقوق اجتماعی، نوعی دوره مدیریت‌مدار تلقی می‌گردد که هدف از آن، کاهش احتمال تکرار جرم است. توجه به وجود سابقه محکومیت کیفری در دیگر نهادهای اصلاح‌مدار را هم می‌توان نوعی مدیریت ریسک تلقی نمود. اینکه به موجب ماده ۶۶ ق.م.ا. گونه‌هایی از سابقه محکومیت مانع تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های جایگزین می‌شود به نوعی با اندیشه مدیریت ریسک هماهنگ است. به کارگیری حبس خانگی و دستبند‌های الکترونیکی نیز نوعی دیگر از پاسخ‌های نظارت‌مدار است. در سال‌های اخیر اقبال فراوانی نسبت به نظارت الکترونیکی به وجود آمده و در مواردی که محکومان از رفتن به مکان‌های معین^۱ منع شده‌اند نیز اعمال شده است.^۲

از منظری دیگر، این پرسش قابل طرح است که آیا می‌توان محرومیت بزهکاران از برخی نهادهای ارفاقی^۳ آن هم به دلیل داشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر را نوعی مدیریت موقت برخی بزهکاران دارای ریسک دانست؟ اینکه برخی از جرایم اساساً مشمول بسیاری نهادها نمی‌شوند نیز در قالب همین سؤال قابل طرح است، مانند اینکه تعویق صدور حکم فقط در جرایم درجه شش تا هشت صادر می‌شود، یا تعلیق فقط در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت اعمال می‌شود؛ یا اینکه نظارت الکترونیکی فقط در جرایم تعزیری درجه پنج تا درجه هشت ممکن است.^۴ به نظر می‌رسد که این نحو از پیش‌بینی قانون‌گذار در اصل با راهبرد مدیریت ریسک فراوان بزهکاران جرایم شدید است،^۵ ولی قانون‌گذار لزوماً با توجه به این راهبرد اقدام به پیش‌بینی محدوده

۱. مثلاً نزدیک حیاط مدارس، نزدیک خانه معشوق سابق خود و مقررات منع رفت و آمد به ویژه برای مدیریت جوانان مسأله‌ساز.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. آقای جنت‌مکان، حسین، «نظارت (حبس) الکترونیکی؛ روشی نو در جانشینی کیفر زندان»، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۲؛ تدین، عباس، «نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزین زندان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز، ۱۳۸۷؛ قادری ینگ‌کنند، علی‌اکبر، مقایسه کنترل‌های الکترونیکی با کیفرهای سالب آزادی: کارکردها و پیامدها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲؛ فروغی، فضل‌الله؛ ایرانی، امیر، «مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵.

۳. به عنوان مثال محرومیت از تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم در ماده ۴۷، محرومیت از آزادی مشروط در مرتبه دوم با توجه به ماده ۵۸، محرومیت برخی جرایم از عفو خاص به موجب ماده ۲۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین و ...

۴. همچنین این سؤال قابل طرح است که آیا در سایر موارد رویکرد مقنن بر کنترل، یا مدیریت و یا کاهش ریسک منطبق است یا خیر.

۵. در مدیریت کیفری ریسک جرم، سوزده اصلی "مجرم" است و تلاش می‌شود مرتکبان به لحاظ ریسکی که دارند، یعنی در واقع به حسب فراوانی ارتکاب جرم و شدت آن، طبقه‌بندی و کنترل شوند. از سوی دیگر در

نهادهای ارفاقی ننموده است؛ زیرا اولاً تعریف مشخصی از ریسک وجود ندارد، ثانیاً ضوابط توجه به ریسک از جمله ابزارهای ارزیابی ریسک مدنظر قرار نگرفته است؛ ثالثاً اینکه مبنای درجات هشت‌گانه جرایم تعزیری مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا.ل.زوماً طبقه‌بندی جرایم بر اساس ریسک باشد مورد تردید است.

به رغم این نهادهای قابل انطباق با نگرش مدیریت کیفی ریسک بزهکاران، به نظر می‌رسد که در حقوق کیفی ایران، مدیریت‌گرایی جایگاه بسیار کم‌رنگی دارد، زیرا بایسته‌های مدیریت ریسک، از ارزیابی بزهکاران گرفته تا بررسی میزان کاهش تکرار جرم از سوی آنان در نظام تقنینی و نیز قضایی وجود ندارد. همچنین، مدیریت ریسک نیازمند تلاش مشارکتی نهادهای پیراقضایی در کنار نهادهای قضایی است که به رغم پیش‌بینی آن در قوانین، زیرساخت‌های قضایی آن فراهم نیست.

۲-۳. کاهش ریسک

رایج‌ترین شیوه مقابله با ریسک، تلاش از رهگذر برنامه‌ها و تدابیری است که هدف آنها تغییر رفتار مجرمان به گونه‌ای است که ریسک کاهش یابد یا از بین برود. برنامه‌های کاهش ریسک به لحاظ سنتی، ذیل عنوان «بازپروری و اصطلاح مجرم» قرار می‌گیرند. همان گونه که از مفهوم کاهش ریسک بر می‌آید، این تدبیر و راهبرد نسبت به بزهکارانی کاربرد دارد که بتوان به نوعی با جلب رضایت آنان به برنامه‌های اصلاحی، انتظار تن دادن به این برنامه‌ها را از آنها داشت.^۱ بنابراین در این هدف راهبردی کیفرشناسی ریسک‌مدار، با آنکه بزهکاران دارای ریسک هستند، میزان اعتماد نظام عدالت کیفری به آنان بیشتر است و کاهش ریسک از طریق تلاش برای بازپروری آنان صورت می‌گیرد. اینکه کدام یک از بزهکاران در این دسته از راهبرد قرار می‌گیرند، با توجه به نوع برنامه‌های اصلاحی و نوع شخصیت بزهکار مانند سن و به طور کلی شخصیت و پرونده آنان تعیین می‌گردد. برای نمونه، در نظام کیفری ایران، بزهکاران نوجوانی که مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا چهار می‌شوند، به موجب ماده ۸۹ ق.م.ا. مشمول تدبیر طرد و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت می‌شوند. در سایر جرایم تعزیری نوع پاسخ‌ها خفیف‌تر است. اینکه قاضی می‌تواند در قالب ارجاع وی به برنامه

← مدیریت غیرکیفری ریسک جرم که از ابزارهای پیشگیری وضعی استفاده می‌شود، اصطلاح ریسک در خصوص یک موقعیت آماده ارتکاب جرم به کار رفته و تلاش می‌شود که موقعیت‌های پرریسک، یعنی اوضاع و احوالی که بیشترین فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌نمایند، شناسایی و مدیریت گردند (سی و لش، براندون؛ فارینگتون، دیوید پی، دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۵، ص. ۴۳۶).

1. Kemshall, H; Maguire, M, Op. cit., p. 15.

خدمات عمومی رایگان در صدد اصلاح وی برآید، خود نوعی تدبیر کاهش ریسک قلمداد می‌شود.

با مقایسه این سه راهبرد می‌توان دریافت که تضمین‌های ضعیف دو راهبرد اخیر، جاذبه و اهمیت آنها را نیز کم‌رنگ می‌کند. مدیریت ریسک یک راهبرد فنی است که توسط کنش‌گران کیفری اعمال می‌شود، حال آنکه ترجیح بر این است که کاهش ریسک توسط مددکاران خدمات اجتماعی انسان‌دوستانه صورت گیرد.^۱ این در حالی است که کنترل ریسک را می‌توان به مددکنش‌گران عدالت کیفری اجرا نمود. توصیه مهم در این راهبرد این است که نخبه‌ها و مأموران برگزیده ویژه از میان کنش‌گران عدالت کیفری انتخاب شوند تا این کنترل‌گرایی^۲ در عین اینکه به شکل دقیق اجرایی می‌گردد سبب سوءاستفاده آنان از جایگاهشان نشود و حقوق شهروندان نیز نقض نشود. در رابطه با کاهش ریسک نیز سیاست جنایی تقنینی با پذیرش نهادهای اصلاح‌مدار متعددی^۳ مجال گسترده را برای سنجش‌های ریسک‌مدار مبتنی بر بازپروری به رسمیت شناخته است، اما رویکرد قضایی، در اعمال و پیاده‌سازی، به مؤلفه‌های سنجش ریسک و مقایسه میزان کاهش ریسک، میان دو زمان آغاز و فرجام برنامه‌های اصلاح‌مدار توجهی ندارد و در این خصوص نیز پرونده شخصیت جایگاه اجرایی ندارد. به همین دلیل رها بودن و بی‌ضابطگی اجرایی و از طرفی دیگر فقدان متون قانونی مشخص در این راستا، همه و همه راهبرد کاهش ریسک را بدون چارچوب نشان می‌دهد.

۳. راهبرد برنامه‌مدار در انطباق پاسخ کیفری با درجه ریسک بزهکار

در کیفرشناسی ریسک‌محور، کنش‌گران نظام عدالت کیفری در مقام مقابله با ریسک به طور خاص و نسبت به هر بزهکار و میزان ریسک وی باید به برنامه‌هایی افتراقی ملتزم باشند و آنها را به شکل دقیق اجرا نمایند. بنابراین، کنش‌گران همیشه میان دوراهی مبتنی بر ریسک هستند؛ از یک سو، میزان مخاطره‌آمیز بودن بزهکاران و از سویی دیگر، میزان کاهش ریسک احتمالی در جامعه. پیامد اشتباه آنان در تصمیم‌گیری می‌تواند کارکردهای مقابله با ریسک نظام عدالت کیفری را زیر سوال ببرد. از همین رو در این مسیر، در کنار سیاست‌گذاران جنایی معاصر، کنش‌گران کیفری نیز

1. Kemshall, H, Understanding Risk in Criminal Justice, Op. cit., p. 39.

۲. لازم به ذکر است که راهبردهای کنترل می‌تواند مبتنی بر تدابیر پیشگیرانه باشد (فیشر، بونی اس؛ لب، استیون بی، دانشنامه پیشگیری از جرم و بزه دیده شناسی، جلد دوم، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵۶).

۳. در این خصوص می‌توان به مواد مربوط به مباحث جایگزین‌های حبس، اقدامات تأمینی و تربیتی ناظر به اطفال و نوجوانان، نظارت الکترونیکی، و نیز تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره نمود.

برای مدیریت آسیب‌پذیری خود در برابر اشتباه باید از راهبردهای برنامه‌مدار منطبق با ریسک استفاده کنند. ریسک نوعاً در تعیین سطح نظارت و ماهیت مداخلات و اقدامات درمانی، سودمند است و بزهکاران بر اساس رفتارهایشان در طول اجرای برنامه از کنترل بیشتر به کنترل خفیف‌تر یا برعکس جابه‌جا می‌شوند.^۱

نظر به اهمیت تعیین برنامه مناسب در کیفرشناسی ریسک‌مدار، نحوه مقابله با ریسک در مقوله کیفردهی برای مدت مدیدی به نگرانی اصلی تبدیل شده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد که در انطباق برنامه‌ها با بزهکاران دارای ریسک، توسل به دو راهبرد برنامه‌مدار می‌تواند جهت‌دهی قابل‌قبولی به کیفرشناسی نو بدهد و با مدنظر قرار دادن راهبردهای چهارگانه ذیل، نگرانی‌های ناظر به نحوه مقابله با ریسک را کمتر نماید.

۳-۱. پاسخ‌گزینی عقلانی به ریسک

عقلانیت در پاسخ‌دهی، به مانند اهمیت آن در حقوق کیفری سنتی، در کیفرشناسی ریسک‌مدار نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در یک معنا، این عقلانیت در کیفرشناسی ریسک‌مدار، به معنای ضرورت تعادل میان حقوق افراد، و نیز پیشگیری و محافظت در برابر ریسک است.^۲ در این معنا، مقابله با ریسک بیش از آنکه ابزاری در خدمت دیگر اهداف نظام عدالت کیفری باشد خود به یکی از آن اهداف تبدیل شده است. در معنای دیگر نیز عقلانیت در انتخاب مناسب‌ترین پاسخ به ریسک بزهکاران معنا می‌شود که هم در تعیین دامنه از سوی سیاست‌گذاران جنایی و هم در اعمال آن پاسخ از سوی کنش‌گران اجرایی و قضایی باید مدنظر قرار گیرد (البته گاه از پایان عقلانیت در جوامع مخاطره‌آمیز سخن گفته می‌شود).^۳ در این معنا، حتی مخالفان مقابله با ریسک نیز مجبور خواهند شد تا از پیشرفته‌ترین فناوری‌های ارزیابی و سنجش ریسک که در دسترس آنها می‌باشد استفاده کنند تا پیرامون ریسک بیندیشند و بزهکاران و بزه‌دیدگان و همچنین نظام عدالت کیفری را در پاسخ‌های انتخاب‌شده متقاعد سازند. در این میان به لحاظ عقلایی ابزارهای شاخص ریسک را باید ابزاری سودمند تلقی کرد. در این خصوص می‌توان مولفه‌های سه‌گانه‌ای را به منظور تقویت این

1. Kennedy, Leslie; Van Brunschot, Erin, *the Risk in Crime*, NY, Rowman and Littlefield, 2009.
2. Fu, X, "On Rational Response of Criminal Law to a Risk Society", *Canadian Social Science*, vol. 10, 2014, p. 77.
3. Simon, J, "Entitlement to Cruelty: Neo-liberalism and the Punitive Mentality in the United States", In: Stenson, Kevin; Sullivan, R (eds.), *Crime, Risk and Justice*, 2001, p. 125.

عقلانیت و ساختارمند شدن آن ترسیم نمود. آنچه بر میزان کارکرد عقلانیت می‌افزاید، لزوم بازشناسی عوامل اصلی و فرعی ریسک است. چنانچه این تعیین اولویت‌ها صورت نگیرد در بدترین وضعیت یک کنش‌گر اجرایی قضایی یا سیاست‌گذار جنایی ممکن است با استفاده از اطلاعات نامنظم و بی‌قاعده‌ای درباره ریسک تصمیم‌گیری کند؛ امری که سبب سوءبرداشت تصمیم‌گیرنده از ریسک می‌گردد.^۱

همچنین عقلانیت در تعیین برنامه مناسب با ریسک بزهکار نیز وجود دارد، زیرا در بستر سیاست انتخاب،^۲ کنش‌گر قضایی با کمک کنش‌گران پیراقضایی باید نسبت به انتخاب یکی از پاسخ‌های ناظر به جرم اقدام نماید. عدم تعیین اولویت‌های تشخیص تناسب از دو منظر، نامطلوب است. نخست آنکه، غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار بزهکار، کارآمدی و تأثیرگذاری برنامه‌های کیفری را تضعیف می‌کند و این امر سبب پیش‌بینی برنامه‌های اصلاحی نامناسب می‌گردد. بر اساس تحقیقات نیز پیش‌بینی یک برنامه اصلاحی نامناسب برای بزهکار نه تنها می‌تواند تأثیرگذاری آن برنامه را خنثی نماید بلکه می‌تواند پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد. دوم عدم قابلیت پیش‌بینی، امکان و احتمال بی‌عدالتی را نیز به وجود می‌آورد، زیرا رفتار بزهکاران به طور تنگاتنگی به سلیقه‌های تصمیم‌گیرندگان وابسته می‌شود تا به ویژگی‌ها و مشخصات بزهکار.^۳

۳-۲. بهره‌گیری از فنون آماری و ارزیابی‌های سازمان‌دهی شده

وقتی تصمیمات کنش‌گران اجرایی و قضایی سازمان‌دهی نشوند، این امکان پدید می‌آید که عوامل مختلف فرهنگی، اخلاقی، نژادی و غیره بر تصمیمات آنان اثر بگذارد. فن‌های آماری می‌توانند الگوهای ریسک تعصبات نژادی، سنجش‌های ناصواب، سوءاستفاده‌های اخلاقی و دیگر عوامل مؤثر را از بین ببرد و باعث کاهش اثر ویژگی‌ها و عوامل مختلف بر تصمیمات گردد. به کاربست این تکنیک‌ها ارزیابی انطباق هم گفته می‌شود.^۴ ارزیابی‌ها و فنون مورد اشاره باعث می‌شود که برنامه‌ها به شکل صحیح پیش‌بینی شوند. نتیجه این امر افزایش قابل اعتماد بودن این برنامه‌ها در میان بزهکاران، بزه‌دیدگان و جامعه است. ارزیابی و پایش مستمر و سازمان‌یافته از ریسک را می‌توان به عنوان یک ضابطه در سنجش استحقاق و تناسب برنامه‌ها با داده‌های ناشی از ریسک مورد استفاده قرار داد. نتیجه این تکنیک آماری و یا ارزیابی سازمان‌دهی شده

1. Clear, T; Cadora, E, "Risk and Correctional Practice", in: Stenson, K; Sullivan, R (eds.), *Crime, Risk and Justice*, Cullompton, Willan Publishing, 2001, p. 34.

2. Stenson, Kevin, *Op. cit.*, p. 23.

3. Kemshall, H, *Understanding Risk in Criminal Justice*, *Op. cit.*, p. 112.

4. Bonta, J, "Offender risk assessment: guidelines for selection and use", *Criminal Justice and Behaviour*, vol. 29, 2002, p. 359.

می‌تواند به صورت جدولی در اختیار بزه‌کاران، بزه‌دیدگان و کنش‌گران قرار گیرد تا از سردرگمی‌ها و سوءاستفاده‌های احتمالی نیز پیشگیری نماید.

۳-۳. به‌کارگیری منطق احتیاط در پاسخ به ریسک

منطق احتیاط^۱ خود دو معنا را به ذهن متبادر می‌سازد؛ اول اینکه برای اطمینان از مقابله مناسب با ریسک، قانون‌گذاران اختیارات گسترده برای کنش‌گران اجرایی و قضایی پیش‌بینی می‌کنند تا هر جا نیاز باشد با اتخاذ تدابیر نظارتی و مدیریتی مختلف ریسک‌زایی را کاهش دهند. در نقطه مقابل و به موجب معنای دوم از منطق احتیاط، برای مقابله با ریسک بایستی در اتخاذ تدابیر و پاسخ‌های ریسک‌محور صرفه‌جویی نمود و بی‌محابا از آن سوءاستفاده ننمود. در کیفرشناسی ریسک مدار، اصل احتیاط در معنای اول به کار می‌رود و حکایت از نوعی تلاش پیش‌دستانه برای مقابله با ریسک دارد. در منطق احتیاطی، عدم قطعیت و احتمال به بهانه‌ای برای افزایش نظارت بیشتر تبدیل می‌شود. این منطق، یک پاسخ به تجدیدنظر نسبت به «مشکل ریسک صفر»^۲ است. در منطق احتیاطی محاسبات و توسل به تخصص علمی دیگر مورد توجه نیست و یا بسیار کم‌رنگ است؛ بلکه حقوق افراد خواه بزه‌کار، خواه بزه‌دیده و نیز قانون نقش اساسی را ایفا می‌کند. در حقیقت منطق احتیاطی به چیزی می‌انجامد که اریکسون آن را جرم‌انگاری از طریق «ضدقانون»^۳ نامیده است.^۴ در ایالات متحده، چندین ایالت دست به تصویب قوانین درندگان/هیولاهای جنسی خطرناک نموده‌اند. این قوانین ابزاری برای دورزدن مشکل مربوط به مجرمان جنسی است که پس از سپری کردن دوره مقرر به خاطر جرم ارتكابی باید به مدت نامحدود، در راستای اعمال مقررات تعهد مدنی در مراکز محبوس بمانند. همچنین در انگلستان، در برنامه‌های مربوط به اختلال شخصیت جدی و خطرناک^۵ به صراحت از دورزدن قانون برای مؤثر بودن حبس در پیشگیری ریسک چنین مجرمانی سخن گفته می‌شود: دولت‌های موفق باید برای غلبه بر ریسک چنین مجرمانی که تا کنون نه مقررات عدالت کیفری و نه سلامت روانی توانسته است با ریسک آنها مبارزه کند، تلاش کنند. در بسیاری موارد، چنین افرادی باید پس از گذراندن دوره معین حبس به رغم ارزیابی خطرناک بودن و تحمیل ریسک

1. Precautionary logic
2. Zero-risk problematic
3. Counter law
4. Heberton, Bill; Seddon, Toby, "From Dangerousness to Precaution: Managing Sexual and Violent Offenders in an Insecure and Uncertain Age", *British Journal of Criminology*, Vol. 49, 2009, p. 346.
5. Dangerous and Severe Personality Disorder Programme

آزاد شوند. افرادی که اختلال شخصیت دارند و ریسک برای جامعه ایجاد می‌کنند، امروز به ندرت مطابق قانون سلامت/بهداشت روانی ۱۹۸۳^۱ تحت محدودیت قرار می‌گیرند؛ زیرا تصور بر این است که اقدامات جاری مطابق این قانون به درمان آنها کمک نمی‌کند، در حالی که نباید این چنین باشد.^۲ بر این اساس مطابق مواد ۲۲۵ تا ۲۲۷ قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳، قضاات اختیار دارند تا حبس‌های نامعین یا قابل تمدید را برای مجرمان جنسی یا خشنی که به موجب ارزیابی‌ها احتمال ریسک و صدمه به عموم مردم را دارند، پیش‌بینی نمایند. به اعتقاد برخی نویسندگان، این اختیار گسترده، خود جلوه‌ای از منطق احتیاط است و منطق سیاسی پیشگیری از خطرات احتمالی آینده، چنین استفاده گسترده از اختیار نظارت و کنترل توسط قضاات را طبیعی اعلام می‌دارد. به دلیل احتمالی بودن ریسک آینده مجرمان خطرناک تعیین چنین مجازات‌های نامعین برای حفاظت از عموم ضروری است.

حال با توجه به افزایش توسل به منطق احتیاط در میان نظام‌های عدالت کیفری در جهت مدیریت مجرمان خطرناک، سیاست‌گذاران به سوی قانون‌گذاری سیاست حبس بزهکاران دارای ریسک جدی برای جامعه گرایش پیدا کرده‌اند. اما باید به یاد داشت که به محض آغاز این روند، انتقاد و چالش قابل توجهی به دلیل گسترش شبکه کنترل^۳ نظام عدالت کیفری آغاز می‌شود. به همین دلیل نیز رعایت نوعی از احتیاط (معنای دوم احتیاط از نظر ما) در خود منطق احتیاط می‌تواند از پیامدهای منفی گسترش شبکه جلوگیری کند.^۴

در راستای معنای دوم از منطق احتیاط، کنترل و نظارت الکترونیکی افراد خطرناک در جهت توجه به پیش‌بینی آسیب آینده نیز مدنظر قرار می‌گیرد. در ایالات متحده آمریکا، ثبت مجرمان جنسی و اطلاع‌رسانی به جامعه علاوه بر جلوگیری از ارتباط با مجرمان جنسی و در نتیجه پیشگیری از آسیب بزه‌دیده شدن به پلیس نیز در جهت ردیابی آنان و دستگیری مظنونان مؤثر بوده است. در دهه اخیر این اطلاع‌رسانی و ثبت نام، اینترنتی شده است. قانون ایمنی و حفاظت از کودکان آدام والش مصوب ۲۰۰۶ تحولات مربوط به ثبت نام اینترنتی و دسترسی بر خط عموم به شرح زندگی مجرمان خطرناک و اتهام‌ها و محکومیت‌های سابق را فراهم آورده است.^۵ با تصویب این قانون زمینه برای افشای اطلاعات بیشتری از مجرمان جنسی فراهم شده است که علاوه

1. Mental Health Act 1983
2. Department of Health/Home Office 2000: para. 2.2
3. Net-Widening
4. Ibid, P 349
5. National online registry, www.nsopr.gov

بر ثبت اطلاعات مربوط به نام و آدرس محل کار و زندگی به عموم و بنگاه‌های معاملات ملکی، برخی ویژگی‌های شخصیتی و ظاهری ارائه می‌گردند. در برخی ایالت‌ها مانند فلوریدا، گاه مجرمان جنسی از ساختن یا خریدن خانه در برخی مناطق مانند نزدیکی مدارس و پارک‌ها ممنوع شده و گاه مجازات‌های کیفری برای برخی صاحب‌خانه‌ها که در مناطق مشخص شده خانه به آنها اجاره می‌دهند مقرر شده است. در انگلستان، پیشنهادات اخیر دولت مبنی بر مراقبت بیشتر شهروندان و نیز ارائه اطلاعات به عموم در حال پیگیری است. همچنین به عنوان یک فرایند جدید، افراد خاصی می‌توانند در ارتباط با پلیس برای حفاظت از کودکانش در ارتباط با یک فرد خاص ثبت‌نام کنند.^۱

تلاش برای مدیریت برخی مجرمان یا جرایم، به ریسک ریسک تعبیر شده است؛ یعنی با تمرکز بر برخی خطرها و ریسک‌ها از توجه به سایرین و همچنین سایر راه حل‌ها و مصادیق دیگر باز می‌مانیم و تلاش برای کاهش ریسک در یک زمینه، منجر به افزایش ریسک در زمینه دیگر می‌شود. گویی ما هرچه به دنبال افزایش امنیت و مسأله امنیت هستیم، کمتر احساس امنیت می‌کنیم. بدین‌سان می‌توان به دیدگاه‌هایی که خواستار امنیت با هر هزینه‌ای هستند و نیز کسانی که امنیت را بدون پرداخت هرگونه هزینه‌ای می‌خواهند، خدشه وارد کرد.^۲ چالش دولت‌ها مشخص کردن گروه‌های خطرناک و اعمال رفتارهای پیشگیرانه برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان و زنان است. ما باید در زمان حاضر به فکر تأمین امنیت در برابر مجرمان خطرناک برای حفاظت عمومی باشیم نه اینکه هنگامی که با آن مواجه شدیم به فکر چاره باشیم.^۳ کمشال و وود دو مدل را در این زمینه بیان می‌کنند. مهم‌ترین هدف در یک «مدل حفاظت از جامعه»،^۴ مدیریت مؤثر مجرمان خطرناک است و در یک رویکرد «سلامت عمومی»،^۵ هدف، تأکید بر افزایش آگاهی عموم و کمپین‌های آموزشی برای گسترش این حوزه از سلامت به جوامع محلی و جامعه در کل است. به نظر آنها مدل اول برای مجرمان پرریسک و دومی برای مجرمان کم‌ریسک به کار می‌رود.^۶

1. Zedner, Lucia, "Pre-Crime and Post-Criminology?", *Theoretical Criminology*, vol. 17, issue 2, 2007, pp. 263-264.
2. O'Malley, P, *Gendered Risks*, Abingdon, UK, Cavendish Publishing Limited, 2007, p. 125.
3. Fitzgibbon, D, *An Pre-Emptive Criminalization: Risk Control and Alternative Futures*, *Issues in Community and Criminal Justice*, Monograph No. 4, London, National Association of Probation Officers, 2004, p. 50.
4. Community protection model
5. Public health approach
6. Kemshall, H; Wood, J, "Beyond Public Protection: An Examination of Community Protection and Public Health Approaches to High-Risk Offenders", *Criminology & Criminal Justice*, vol. 7, 2007, p. 89.

نتیجه‌گیری

با مطرح شدن عدم کارایی نظریه‌های اصلاح و درمان، به تدریج کیفرشناسی نو یا به تعبیر دقیق‌تر کیفرشناسی ریسک‌مدار به عنوان رویکردی رادیکال در پاسخ به جرایم مطرح شد. در این کیفرشناسی، جرم از منظر ریسک کنترل می‌شود؛ بنابراین، ریسک نقشی محوری در سیاست جنایی معاصر پیدا کرده است. در کیفرشناسی ریسک‌مدار مکانیسم مقابله با ریسک، هدفمند و منطقی است، زیرا با دخالت دادن فناوری‌ها و ابزارهای آماری مرتبط با ارزیابی ریسک، بزهکاران در قالب گروه‌های خطرناک یا دارای ریسک بالا دسته‌بندی می‌شوند. در این راستا، بسته به میزان خطرناکی بزهکار و جرم ارتكابی وی، تعیین می‌شود که کدام راهبرد هدف‌مدار قابل اعمال است. با توجه به معیارهای شخص‌مدار و جرم‌مدار می‌توان راهبرد مناسب را تعیین نمود. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که برنامه موردنظر با ویژگی‌های شخص‌ایجادکننده ریسک و نیز اهداف برآمده از کیفرشناسی ریسک منطبق و در عین حال قابل توجیه باشد. به این منظور می‌توان از درجه‌بندی شدت جرم ارتكابی، طبقه‌بندی بزهکاران از حیث داشتن سابقه محکومیت کیفری و دیگر رهیافت‌های عملی اجرایی بهره برد و پاسخ متناسبی را برای ریسک ایجادشده ارائه نمود. از جمله ویژگی‌های مهم این کیفرشناسی آن است که سنجش آماری ریسک تمام مراحل دادرسی و همه کنش‌گران نظام عدالت کیفری را شامل می‌شود.

در حقوق کیفری ایران، درجه‌بندی ریسک لزوماً منطبق با درجه‌بندی هشت‌گانه مقرر در قانون مجازات اسلامی نیست. درجه‌بندی ریسک خود نیازمند کار تخصصی و کارشناسی است تا از سردرگمی‌های قضایی و اجرایی جلوگیری نماید. نتیجه این راهبردها را می‌توان در عین حال در قالب قانون جامع مقابله با ریسک تدوین نمود و بسته به عواملی مانند نوع جرایم، معیارهای خاص شخصی و نوعی و شرایط بزه‌دیدگان به مدیریت، کاهش و یا کنترل ریسک اقدام نمود. در همه موارد می‌توان رویکرد چندنهادی را مدنظر داشت و به عنوان مثال بزهکاران محکوم به کلاهبرداری، جرایم جنسی یا جرایم خشونت‌بار را از فعالیت‌های روزمره‌ای که می‌تواند در تکرار جرم مؤثر باشد، محروم نمود و از این طریق در مقام کنترل آنان یا مدیریت آنان گام برداشت. پرونده شخصیت ریسک‌مدار در کیفرشناسی مبتنی بر ریسک می‌تواند به تعیین برنامه‌های متناسب با بزهکاران خطرناک بسیار مؤثر باشد.

در زمینه امکان‌سنجی رویکرد قابل اعمال در حقوق کیفری ایران، کنترل ریسک، تنها راهبردی است که هدف آن امید دادن به مخاطبانی است که نگران ریسک هستند.

به موجب این راهبرد می‌توان احتمال ظهور ریسک را به حداقل میزان ممکن رساند؛ نتیجه‌ای که نه مدیریت ریسک و نه کاهش ریسک، هیچ کدام پیشنهاد نمی‌کنند. در عمل اما بررسی‌ها حاکی از آن است که راهبرد کنترل ریسک همیشه از وعده‌ای که می‌دهد، عقب‌تر است. به همین دلیل باید در کنار کنترل ریسک، بر مدیریت و نیز کاهش ریسک هم تأکید نمود. در همین راستا به نظر می‌رسد که حقوق کیفری ایران از سازوکارهای مرتبط با مدیریت ریسک بی‌بهره است. به همین دلیل لازم است که مقنن ایرانی فراتر از تأکید بر سزاگرایی صرف به بازشناسی بزهکاران سابقه‌دار، طبقه‌بندی جرایم، مدیریت بزهکاران پرخطر و دیگر تدابیر ناظر به مدیریت و کاهش ریسک اهتمام نماید. البته باید با پابندی به تفکر عقلانی، از توسعه کیفردهی برخاسته از مقابله با ریسک پرهیز نمود؛ زیرا اگرچه هدف از این کیفرشناسی توسعه احساس امنیت است، این هدف را نباید به بهای کیفی‌های فراوان و سزاگرایی افراطی به دست آورد. بر همین اساس، با آنکه این کیفرشناسی، ریسک را هدف قرار می‌دهد، اجرا و پیگیری آن نباید خود به ریسک جدیدی دامن بزند. مسلماً مدیریت ریسک نباید به ابزاری برای نفی نهادهای بنیادین و اصول مسلم عدالت کیفری مانند فرض برائت و کمینه‌گرایی در کیفر یا بی‌توجهی به حقوق دفاعی متهمان یا حقوق شناخته‌شده محکومان تفسیر و تعبیر شود.

منابع

- آقابابایی، حسین، امنیت، «آزادی شخصی و مدیریت خطر جرایم امنیتی»، ضمیمه فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، شماره ۵۶، ۱۳۹۰.
- آقایی جنت‌مکان، حسین، «نظارت (حبس) الکترونیکی؛ روشی نو در جانمایی کیفر زندان»، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
- احمدی، حبیب؛ دهقانی، رودابه، «آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه مخاطره‌آمیز)»، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۰، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴.
- ام بریکول، گلینیس، روانشناسی ریسک، ترجمه: پروانه فخیم قاسم‌زاده و مهتاب صالحی، چاپ اول، ایران چاپ، پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۳.
- بک، اولریش، جامعه در مخاطری جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی، تهران، انتشارات کوپر، ۱۳۸۸.
- بکاریه سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ هشتم، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- تدین، عباس، «نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزین زندان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز، ۱۳۸۷.
- توسلی، غلامعباس؛ وداهیر، ابوعلی، «مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره‌آمیز: تأملی جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری جوامع مخاطره‌آمیز نظارتی در عصر حاضر»، جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴، زمستان، ۱۳۸۸.
- حسینی، سید محمد؛ ساعدی، زهرا؛ صادقی، آزاده، «نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۹، پاییز ۱۳۹۱.
- دنی، دیوید، ریسک و جامعه، ترجمه صالح کاشانی محمدی، چاپ اول، نشر پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۳.
- رضوانی، حمیدرضا، برنامه‌ریزی استراتژیک راهبردی، چاپ اول، مؤسسه کتاب مهربان، ۱۳۸۹.
- رضوانی، سودابه، مفهوم خطرناکی در علوم جنایی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۶.
- ریگاکاس، جورج اس، «جامعه خطر و جرم‌شناسی سنجشی: جنبه‌هایی برای یک گفتمان انتقادی»، ترجمه افشین عبداللهی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲.
- زاهدی، شمس‌السادات؛ و دیگران، فرهنگ جامع مدیریت، انتشارات دانشگاه علمه طباطبایی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۸.

- سی ولش، براندون؛ فارینگتون، دیوید پی، دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- عاملی، سعیدرضا، «دوج جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، ۱۳۸۲.
- غلامی، حسین، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، پژوهش حقوق کیفری، فصلنامه دانشگاه علامه طباطبایی، سال اول، شماره ۲، زمستان، ۱۳۹۱.
- فروغی، فضل‌الله؛ ایرانی، امیر، «مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- فیشر، بونی اس؛ لب، استیون پی، دانشنامه پیشگیری از جرم و بزه دیده شناسی، جلد دوم، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- قادری ینگگی‌کند، علی‌اکبر، مقایسه کنترل‌های الکترونیکی با کیف‌های سالب آزادی: کارکردها و پیامدها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲.
- قاسمی، محمدعلی، «جامعه ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازده، شماره ۴۵، ۱۳۸۸.
- قاضی‌زاده، حسین، بررسی حقوقی جرم‌شناختی نظارت تأمینی در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۹.
- گارلند، دیوید، مجازات و جامعه مدرن، ترجمه نبی‌اله غلامی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- مهدوی‌پور، اعظم؛ شهرانی کرانی، نجمه، «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری گیلان، دوره پنجم، شماره ۱، تابستان، ۱۳۹۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیرنظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ ایارگر، حسین، «نظارت بر مجرمان پرخطر: راهکارها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ رضوانی، سودابه، «سلب آزادی پیشگیری‌محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره چهارم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.

– نوبهار، رحیم، «بازخوانی مستندات فقهی حکم اعدام برای تکرار جرایم حدی»، پژوهش‌های حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲.

- Ashworth, Andrew; Zedner, Lucia, Preventive Justice, Oxford University Press, 2014.
- Bonta, J, "Offender Risk Assessment: Guidelines for Selection and Use", Criminal Justice and Behaviour, vol. 29, 2002.
- Brown, Michelle, "New Penology", in: Bruinsma, G; Weisburd, D (eds), Encyclopaedia of Criminology and Criminal Justice, Springer Science Business Media, New York, 2014.
- Castel, R, "From Dangerousness to Risk", in: Burchell, G; Gordon, C; Miller, P (eds), The Foucault Effect: Studies in Governmentality, Hemel Hempstead, Harvester Wheatsheaf, 1991.
- Clear, T; Cadora, E, "Risk and Correctional Practice", in: Stenson, K; Sullivan, R (eds), Crime, Risk and Justice, Cullompton, Willan Publishing, 2001.
- Day, Andrew; Carson, Ed, Boni, Nadia; Hobbs, Gaynor, "The Management of Sex Offenders in the Community: from Policy to Practice", Australian Journal of Social Issues, vol. 49, No. 3, 2014.
- Feeley, M; Simon, J, "Actuarial Justice: The Emerging New Criminal Law", in: Nelken, D(ed.), The Future of Criminology, London, Sage Publications, 1994.
- Feeley, M; Simon, J, "The New Penology", Criminology, vol. 39, 1992.
- Fitzgibbon, D, An Pre-Emptive Criminalization: Risk Control and Alternative Futures, Issues in Community and Criminal Justice, Monograph No. 4, London, National Association of Probation Officers, 2004.
- Fu, X, "On Rational Response of Criminal Law to a Risk Society", Canadian Social Science, vol. 10, 2014.
- Garland, D, "The Culture of High Crime Societies", British Journal of Criminology, vol. 40, 2000.
- Garland, D, The Culture of Crime Control: Crime and Social Order in Contemporary Society, Oxford, Oxford University Press. 2001.
- Heberton, Bill; Seddon, Toby, "From Dangerousness to Precaution: Managing Sexual and Violent Offenders in an Insecure and Uncertain Age", British Journal of Criminology, Vol. 49, 2009.
- Kemshall, H, Understanding Risk in Criminal Justice, Open University Press, 2003.

-
- Kemshall, H; Maguire, M, "Community Justice, Risk Management and Multi-Agency Public Protection Panels", *Community Justice*, vol. 1, 2002.
 - Kemshall, H; Wood, J, "Beyond Public Protection: An Examination of Community Protection and Public Health Approaches to High-Risk Offenders", *Criminology & Criminal Justice*, vol. 7, 2007.
 - Kennedy, Leslie; Van Brunshot, Erin, *the Risk in Crime*, NY, Rowman and Littlefield, 2009.
 - O'Malley, P, *Risk, Uncertainty and Government*, London, The Glass House Press, 2004.
 - O'Malley, P, *Crime and Risk*, Impact Criminology Series, London, Sage Publications, 2010.
 - O'Malley, P, *Gendered Risks*, Abingdon, UK, Cavendish Publishing Limited, 2007.
 - Rose, N, "Government and control", *British Journal of Criminology*, vol. 40, 2000.
 - Simon, J, "Entitlement to Cruelty: Neo-liberalism and the Punitive Mentality in the United States", In: Stenson, Kevin; Sullivan, R (eds.), *Crime, Risk and Justice*, 2001.
 - Simon, J, "Managing the Monstrous: Sex Offenders and the New Penology", *Psychology, Public Policy and Law*, 4(1-2), 1998.
 - Stenson, Kevin, "The New Politics of Crime Control", In: Stenson, Kevin; Sullivan, Robert (eds.), *Crime, Risk and Justice*, Willan publication, 2001.
 - Ulrich, Beck, "Pioneer in Cosmopolitan Sociology and Risk Society", *Springer Briefs on Pioneers in Science and Practice*, Vol. 18, 2014.
 - Walker, N, *Dangerous People*, London, Blackstone Press, 1996.
 - Zedner, Lucia, "Pre-Crime and Post-Criminology?", *Theoretical Criminology*, vol. 17, issue 2, 2007.